چهره روز

درباره استفان هاورز؛ چهره‌ای که این روزها محبوب شده است

رها در نوازندگی

دنیا پاپایی
خبرنگار

این روزها استفان هاورز نوازنده برجسته ویولنسل از کشور کرواسی به شهرت خوبی دست یافته است، چرا که در فضای مجازی کارهای این نوازنده جوان و خوش‌قیافه در حال پخش شدن است.

هاورز ۳۳ ساله عضو گروه موسیقی «توجلوز» است. این گروه تشکیل شده از دو نوازنده بااستعداد ویولنسل که یکی از آنها استفان هاورز و دیگری نوازنده‌ای به نام لوکا شولیچ است. این گروه اهل کرواسی در سال ۲۰۱۱ توسط یک کمپانی ضبط آهنگ متولد شد. گروه توجلوز به‌دلیل اجرای موسیقی‌های معروف یا به اصطلاح کاورکردن در سبک‌های پاپ و راک محبوبیت چشمگیری در میان مردم دارند.

به‌گفته استفان هاورز گروه موسیقی توجلوز به‌دلیل اینکه از دوره اوجش فاصله گرفته در سال ۲۰۱۹ اعضای گروه از یکدیگر جدا شدند و امروز هریک به تنهایی راه خود را ادامه می‌دهند.

استفان هاورز در گفت‌وگو با نیویورک تایمز گفته است: «به‌تازگی کتاب «ایگو» اثر اوشو را مطالعه کرده‌ام و باید بگویم که خواندن این کتاب مرا متحول کرده. خواندن این کتاب باعث شد که پی ببرم مردم در زندگی روزمره و روابط اجتماعیشان چه نقاب‌هایی به چهره زده‌اند و از شخصیت واقعی خود دوری می‌کنند. اکثریت جامعه را افرادی تشکیل داده‌اند که در فکر این هستند که نظر دیگران در مورد آنها چیست. این شرایط مرا یاد مثالی انداخته که یک گل دلش می‌خواست کاکتوس یا یک نخل باشد در حالی که واقعیت این نیست. یک گل به خودی خود کامل و بی‌نقص است وهمین برای خود و اطرافیانش کافی و دوست داشتنی است، تنها کاری که باید انجام داد این است که تلاش کنیم هر چیز در جای خودش قرار بگیرد.» این نوازنده ویولنسل درباره نحوه اجرا گفت: «نوازنده‌ها باید در نقش یک اجراکننده بخوبی در مقابل مردم حاضر شوند ولی حقیقتی که در مورد من وجود دارد این است که من روی صحنه و در حال اجرا بسیار احساس راحتی می‌کنم. تنها کاری که باید انجام دهم این است که در هنگام اجرا خودم باشم. برای همین نه هرگز گیج می‌شوم و نه تغییری در من رخ می‌دهد.» او در پاسخ به این سؤال که

«چه گوش می‌دهید»، به آهنگ‌های پاپ به زبان ایتالیایی اشاره کرد: «از آهنگ‌های پاپ به زبان‌های ایتالیایی و اسپانیایی لذت می‌برم و البته عاشق گوش دادن به موسیقی‌های کرواسی هستم. این موسیقی دوران کودکی مرا را شکل داده و با آن بزرگ شده‌ام.»

او هم مثل دیگران این روزها را در قرنطینه می‌گذراند: «تماشای اجرای آنلاین نوازندگان دیگر کشورها برخی از فعالیت‌های این روزهای من است. من طرفدار اجرای ولادیمیر هوروویتس نوازنده پیانو هستم. به نظرم هرچه سنش بالاتر می‌رود عملکردش بهتر می‌شود.»

او که این روزها به خاطر ویدئوهایش در فضای مجازی به چهره محبوبی تبدیل شده است به دوران کودکی خود اشاره دارد: «وقتی سنم کمتر بود کلکسیون کاکتوس داشتم که انواع کاکتوس‌ها در آن بود. بچه عجیبی بودم هم فوتبال بازی می‌کردم و هم به‌دنبال کاکتوس بودم. برای کاکتوس‌هایم اسم انتخاب کرده بودم و زمانی که عمر کاکتوس‌هایم رو به پایان بود هرشب برایشان دعا می‌کردم.»

خط خبر

■ شورای کتاب کودک فهرستی از کتاب‌های برگزیده، شایسته تقدیر و چهارستاره را با موضوع «خشونت خانگی علیه کودکان»، از میان کتاب‌های منتشرشده در سال‌های ۱۳۶۰ - ۱۳۹۸ منتشر کرده است.

■ فرزند محمود اعتمادزاده (م.ا. به‌آذین) طی یادداشتی با شرح وضعیت حمایت از حفظ خانه این نویسنده و مترجم عنوان کرده که در ادامه روند حمایت از ثبت ملی خانه به یادگارمانده از محمود اعتمادزاده (م.ا.به آذین)، امضاهای نامه منتشرشده در این رابطه، به ۱۶۰۰ رسیده و چهره‌های فرهنگی و هنری و ادبی بیشتری از آن حمایت کرده‌اند.

■ رئیس انستیتو ادبیات جهانی ماکسیم گورکی و عضو ناظر آکادمی ملی علوم روسیه پیامی را به مناسبت صد و شصتمین سالروز تولد چخوف و آغاز برنامه «یک هفته با چخوف» در ایران صادر کرد. در بخشی از این پیام آمده است: این ابتکار در تداوم همکاری‌های سازنده فرهنگی بین ایران و روسیه است که در چند سال گذشته در اشکال برنامه‌ها و مراسم مختلف متجلی شده است که از جمله آنها می‌توان به کنفرانس‌هایی برای بزرگداشت سعدی و پوشکین، ایوان بونین، لف تالستوی و فرهنگ شرق، برگزاری برنامه یک هفته با تالستوی در ایران و... اشاره کرد.

■ به گزارش ورایتی، شصتمین جشنواره بین‌المللی انیمیشن «اَنسی»

که امسال به‌دلیل شیوع ویروس کرونا به‌صورت آنلاین برگزار شد، برندگانش را معرفی کرد و در نهایت انیمیشن «فاجعه» به کارگردانی «رمی شای» محصول کشور میزبان (فرانسه) جایزه کریستال بهترین انیمیشن این رویداد سینمایی را به خود اختصاص داد.

■ کتاب‌های برگزیده ناشران فعال حوزه کودک به کتابخانه‌های کانون در سراسر کشور ارسال می‌شود. به گزارش روابط عمومی و امور بین‌الملل کانون، این مجموعه که شامل کتاب‌های حوزه خردسال، کودک و نوجوان می‌شود منتخبی از کتاب‌های ناشران مختلف را در برمی‌گیرد که از طرف کارشناسان جایزه کتاب کودک و نوجوان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به‌عنوان کتاب‌های مناسب این حوزه انتخاب و در قالب طرح «تمیم» (تأمین محتوای یکپارچه مراکز کانون) در اختیار کتابخانه‌ها و مراکز فرهنگی هنری کانون قرار خواهد گرفت.

■ بیمه درمان تکمیلی صندوق اعتباری هنر تا ۳۱ شهریور ماه تمدید شد. سید حسین سیدزاده، مدیرعامل این صندوق ضمن اعلام این خبر و با اشاره به اتمام قرارداد بیمه درمان تکمیلی در ابتدای تیر ماه، گفت: بعد از پیگیری‌های انجام شده در خصوص پرداخت حق بیمه تأمین اجتماعی سه ماه نخست سال جاری و اجرایی شدن آن، به این جمع‌بندی رسیدیم که تمدید سه ماهه قرارداد فعلی بیمه درمان تکمیلی می‌تواند کمک مفیدی در این شرایط باشد. بر این اساس تمامی افراد تحت پوشش بیمه تکمیلی سال ۹۹-۹۸ تا پایان شهریور ماه از خدمات بیمه درمان تکمیلی صندوق اعتباری هنر برخوردار هستند.

گزارش گفت‌وگو

ایوب آقاخانی در گفت‌وگو با «ایران» از چالش‌های حقوقی تئاتر در روزگار کرونا می‌گوید

اهالی تئاتر، هنرمند هستند نه تاجر

محسن بوالحسنی
خبرنگار

هفته اول خردادماه، تعدادی از هنرمندان عرصه تئاتر با انتشار بیانیه‌ای نسبت به پخش آثارشان در قالب فیلم‌تئاتر در پلتفرم‌های اینترنتی معترض شدند و اعلام کردند که چنین اتفاقی بدون هماهنگی با آنها و البته بدون پرداخت حق و حقوق قانونی آثار رخ داده است. این ماجرا و بیانیه در شبکه‌های خبری سر و صدای زیادی برپا کرد و بعد از انتشارش هم جوابیه پشت جوابیه منتشر شد. کارگردان‌های گلایه‌مند تئاتر و مدیران پلتفرم‌ها از طرف دیگر هر کدام به نحوی به این اتفاق واکنش نشان دادند و تقریباً همه این مسیرها و جوابیه‌ها و اعتراض‌ها به مؤسسه بتهوون ربط داشت. بابک چمن‌آرا مدیر این مؤسسه اما با رد این نظریات رسماً در گفت‌وگویی با ایسنا اعلام کرد که هیچ کدام از این فیلم‌تئاترها برخلاف قرارداد منتشر و عرضه نشده و او کاری خارج از چارچوب قرارداد با صاحبان تئاترها انجام نداده است. حسین مسافرآستانه مدیر تماشاخانه ایرانشهر هم طی مصاحبه‌ای گفت: «بعد از سال ۹۵ مقرر شد هر گروهی با هر تیمی که خودش می‌خواهد کارش را در سالن‌های ایرانشهر ضبط کند و سالن هم اگر خارج از ساعت اجرا در اختیار گروه باشد، مبلغی را به ازای آن دریافت می‌کند، ولی دیگر هیچ تعهدی در قبال چگونگی پخش متوجه سالن‌ها نبود.»

کامبیز نوروزی وکیل و کارشناس مسائل حقوقی طی گفت‌وگویی که با «ایران» داشت و در همین صفحه چاپ شد، بروز چنین اتفاقی را حاصل بی‌توجهی اهالی تئاتر (علیرغم زحمتی که می‌کشند) دانست و از هنرمندان خواست از این به بعد نسبت به عقد قراردادهای حقوقی خود وسواس بیشتری داشته باشند و به تفاهمنامه‌های شفاهی بسنده نکنند. بعد از انتشار این گفت‌وگو ایوب آقاخانی که دو نمایشش یعنی «تکه‌های سنگین سرب» و «کسوف» در این سامانه‌ها عرضه شد بود در گفت‌وگو با «ایران» ضمن تأیید صحبت‌های نوروزی از اخلاق و منش هنرمندان تئاتری گفت که این حسن اخلاق باعث اعتماد آنها به همه می‌شود و شاید این نقطه قوت اخلاقی به یک نقطه ضعف بدل شده باشد.

■ **موضوع نه شخصی، بلکه صنفی است**

آقاخانی درباره چالش‌های پیش آمده برای فیلم‌تئاترها طی یک ماه اخیر از قصد صنف خود برای پیگیری وضعیت قراردادها می‌گوید. او ضمن تأکید بر هم‌اندیشی هنرمندان برای رسیدن به سازوکار حقوقی درست و با اشاره به گفت‌وگوی ایران با کامبیز نوروزی، کارشناس حقوقی، می‌گوید: «نکته اصلی اخلاق متعالی اهالی تئاتر است. حرف بچه‌های تئاتر برخلاف بسیاری حوزه‌های دیگر، حرف است و وقتی با کسی قول و قراری می‌گذارند به هر قیمتی سر آن قول و قرار می‌مانند و آنچنان مقید به مکتوبات و قراردادها نیستند که اصلاً چنین چیزی بین‌مان رد و بدل شده، بلکه همین تعهدهای شفاهی و اخلاقی برای ما از هزار صفحه کاغذ مهم‌تر بوده است. واقعاً باعث تأسف است که برخی می‌خواهند از این اخلاق حسنه سوءاستفاده و طوری برگزار کنند که نه در شأن این بچه‌هاست و نه در شأن هنر... حالا بداخلاقی‌ها کار را به جایی می‌رساند که ما هم بیشتر به فکر مسائل حقوقی باشیم و آن را به معرفت و قول و قرارهای شفاهی ترجیح بدهیم.» او صرفاً مسأله را به قضیه فیلم‌تئاترها محدود نمی‌داند و معتقد است که در حوزه‌هایی دیگر از جمله بحث مالیات هم با مشکلاتی از این دست روبه‌رو هستند. این کارگردان شاهد مثال خود را این‌طور مطرح می‌کند: «به‌عنوان مثال خود من قول و قرارهای کاری‌ام را با همکارانم به‌صورت شفاهی می‌گذارم و قراردادهایمان این‌طور و اخلاقی است، اما یکی از جاهایی که در آن به مشکل برمی‌خوریم اداره مالیات است. در واقع مبلغ قرارداد من با مرکز هنرهای نمایشی یا سالن‌ها را مبنا قرار می‌دهند در حالی که بخشی از آن یا حتی بیش از آن هزینه تولید پروژه می‌شود و ما با عوامل تولید قراردادی نداریم. مقصود این است که این یک سنت اخلاقی خوب در بچه‌های تئاتر است اما در بزنگاه‌هایی مثل اتفاقاتی که طی یکی دو ماه اخیر افتاد تلنگری به ما زده شد تا متوجه بروز گرفتاری‌ها و بداخلاقی‌هایی شویم و حالا دیگر اجازه نمی‌دهیم که کسی از این صداقت سوءاستفاده کند و از آب گل آلود ماهی بگیرد.»

با این همه چنین بحث و چالشی، آنقدر جدی و پیچیده بود که اصلی‌ترین مسأله‌اش به‌روز نبودن قراردادها و شکل حقوقی و رسمی تعهدات نسبت به بستر زمان است. آقاخانی در پاسخ به این سؤال که آیا چشم‌اندازی از طرف صنف تئاتری‌ها در این زمینه طراحی و فکر شده یا نه می‌گوید: «نکته اینجاست که خود من از اول اصلاً دنبال ماجرای حقوقی آن نبودم. دو فیلم‌تئاتر از من منتشر شد اما مشکلی با این داستان نداشتم و حتی خیلی هم ناراضی نبودم اما بحث، فقط رضایت و عدم رضایت من نیست و یک مسأله صنفی است. اما جایی که برای من ممکن است خوشحالی هم داشته وقتی باعث ضرر و زیان و پایمال شدن حق و حقوق بسیاری از همکارانم شود دیگر قابل رفع و رجوع‌های شخصی نیست. دو اثری که از من منتشر شد با واسطه به مؤسسه بتهوون سپرده شده بودند و به‌عنوان سهم بنده، نسخه‌هایی از دی‌وی‌دی آنها به من داده شد. اینکه این نسخه‌های دی‌وی‌دی که همان‌سال‌ها به من داده شد، کل درآمد من از این تئاترهاست یک بحث و اگر ادامه‌ای دارد بحث دیگری است. من اینها را اعلام کردم اما صاحب‌امتیاز و تصمیم، در مؤسسه بتهوون مصاحبه‌ای کرد که جواب آن مصاحبه صرفاً مسأله شخصی نیست وتوهین به کل مجموعه تئاتر است.»

■ **کسی حق توهین به هنرمندان را ندارد**

ایوب آقاخانی از مدیر بتهوون هم در گفت‌وگویش با «ایران» گلایه می‌کند و مصاحبه او با یکی از خبرگزاری‌ها را توهین‌آمیز می‌خواند و می‌گوید: «این بچه‌ها نه تنها سالیان، بلکه دهه‌هاست که مشغول کار فرهنگی هستند و نه تجاری. تأکید می‌کنم اهالی تئاتر، تاجر نیستند، هنرمندند. پس مسأله شخصی نیست و صنفی است چون پرداخت درصدی از این فروش‌ها و... دردی از کسی دوا نمی‌کند، اما این مسأله نباید باعث شود برخی به خودشان اجازه بدهند که به هنرمندان نازک‌تر از گل بگویند یا نگاهی از بالا به پایین به آنها داشته باشند؛ آن‌هم به کسانی که موجودیت خود را مدیون آنها هستند. بنابراین از اینجا به بعد برای ما مهم شده که نگذاریم دیگر چنین اتفاقاتی بیفتد. فرض کنیم این بیماری فراگیر پایدار بشود یا شرایط مشابهی به امر تئاتر و سینما مستولی شود و ما تا مدت‌ها نتوانیم اجرا و اکران داشته باشیم. سرنوشت پویایی و ادامه حیات تئاتر و سینما با بسترهای اینترنتی گره می‌خورد و اگر در چنین شرایطی ما در دام آدم‌های سودجو بیفتیم در واقع تنها منفذ حیاتی تئاتر و سینما را بسته‌ایم و به همین دلیل و نگاه هم ما از این به‌بعد سفت و سخت پیگیر مسائل حقوقی همکاران خود در تئاتر خواهیم بود و به خاطر صنف، حرفه و ویژگی‌های حرفه‌ای دیگر اجازه چنین رفتارهایی را نخواهیم داد.

■ **فیلم‌تئاتر باشد یا نباشد**

او درباره اصل و اساس وجود و پخش فیلم‌تئاتر هم نظری موافق دارد و می‌گوید: «چرا پخش نشود؟ اتفاقاً بسیار بستر مناسب و درستی است و باید حتی بیش از گذشته به آن پرداخت و دلسوزان تئاتر دست به‌دست هم بدهند و با کمک مدیران فرهنگی باعث بسط و گسترش این امکان باشند اما کرونا واقعاً یک امکان و امتیاز بود که ما نسبت به اطراف و اطرافیان خود آگاه‌تر شویم و این آگاهی را هم مدیون کسی نیستیم، بلکه تلنگر درستی بود که خوردیم و خدا را بابت آن شاکریم.»

تئاتر

صحنه‌ای از نمایش کسوف به کارگردانی ایوب آقاخانی

زندگی در دوران کرونا

روایت

دوران عجیبی بود و شاید یکی از حسن‌هایش این بود که تنها ما ایرانی‌ها آن را تجربه نکردیم و یک تجربه جهانی با مقیاس و وسعتی به اندازه تمام دنیا بود. هنرمندان در هر کجای جهان با این خانه‌نشینی‌ها و وفق‌دادن خود با شرایط موجود تجربه‌ای تازه را پشت سر گذاشتند و هر کس به شیوه و روش خود، تلاش کرد این خلأ و ترس از ابتلا و بیکاری و... را طوری جبران کند که در پایان خود را بازنده این بیماری نبیند. من و همکارانم در گروه پوشه هم برنامه‌هایی داشتیم که به‌دلیل شیوع همین بیماری با مشکل روبه‌رو شد. در واقع ما از سال ۹۸ برای سه تئاتر در سال ۹۹ برنامه‌ریزی کرده بودیم که بیشترشان هم قرار بود در سالن‌های خصوصی اجرا شوند. بحث‌های اولیه با سالن‌ها و سرمایه‌گذارها انجام شده بود که متأسفانه کرونا همه چیز از جمله عزم سرمایه‌گذارها برای مشارکت و... را به هم ریخت و امروز هم در این موضوع چشم‌انداز روشنی نسبت به آنچه در سر داشتیم نداریم و منتظریم ببینیم شرایط به چه نحو و نوعی پیش خواهد رفت؛ اما خود من برای اینکه متوقف نشده باشیم، این چند ماه بی‌وقفه در حال تحقیق و پژوهش و نوشتن بودم و معتقدم این تنها راه برون‌رفت از این شرایط است و تجهیز کردن خود برای روزهای بعد از این بیماری، مهم‌ترین کاری است که دست‌خالی نباشیم و یکی از اصلی‌ترین نیازهای ما در این حوزه هم متن است. پس ما هم بخش عمده‌ای از توان خود را بر تولید محتوا گذاشتیم. در بخش سیاست‌های کلان تئاتر در دوران کرونا هم تا جایی که ممکن بود و می‌شد کار زیربنایی انجام داد فعالیت‌هایی کردیم و از جمله آنها همان‌طور که گفتید راه‌اندازی یکسری پویش‌ها و شبه‌جشنواره‌های آنلاین که یک نمونه از آن مسابقه نمایشنامه‌نویسی بود که با همکاری مرکز هنرهای نمایشی حوزه هنری سامان گرفت و به عقیده من اتفاق خوبی در این مسیر بود. در کنار این فعالیت‌ها، در همین ایام، دومین رمان خودم را هم آغاز کردم که بعد از این روزگار، با انبانی بایسته از دورانی چنین عجیب خارج شوم. به‌هر صورت هر کدام از ما سعی کردیم به شکل و شیوه خود یا با کاری که از دستمان برمی‌آمد تئاتر را زنده نگه داریم یا آن را زنده نشان بدهیم و حالا مردم بعد از کرونا قضاوت خواهند کرد که چه کردیم و به کجا و چه سمتی حرکت کردیم. به‌هر روی دوران خاصی است که همه با هم تجربه کرده و می‌کنیم و کمترین کاری که می‌شود کرد درس گرفتن از این دوران، برای روزگار آینده است که دیر یا زود بالاخره فرا می‌رسد.

آرش گوران در گفت‌وگو با «ایران» از اجرای بین‌المللی قطعه «مرغ سحر» گفت

نوایی از روشنایی و امید

نداسیجانی / شاید کمتر کسی را بتوان یافت که با تصنیف زیبای «مرغ سحر» آشنایی نداشته و چند بیتی از آن را با خود زمزمه نکرده باشد؛ قطعه‌ای سروده ملک‌الشعرا بهار و به آهنگسازی مرتضی نی داوود که نخستین بار سال ۱۳۰۶ به اجرا درآمد. جالب است بدانید ابتدا ملودی این اثر در دستگاه ماهور ساخته شد و بعدها ملک‌الشعرای بهار شعر آن را سرود. «مرغ سحر» جایگاه ویژه‌ای در موسیقی ایران دارد، تصنیفی جاودانه که شاعر به زیبایی اعتراض‌های دوران مشروطه ایران را با مرغ محبوس در قفس روایت می‌کند. بانو ملوک ضرابی نخستین خواننده این اثر است؛ البته بارها و بارها این کار توسط دیگر خوانندگان همچون جلال تاج اصفهانی، قمرالملوک وزیری، نادر گلچین، هنگامه اخوان، محمدرضا شجریان و همایون شجریان خوانده و اجرا شد. این ترانه بعد از گذشت سال‌ها همچنان محبوب و مورد علاقه مردم و هنرمندان موسیقی است. بعد از انقلاب و در دهه‌های اخیر آشنایی اغلب مردم ایران با قطعه «مرغ سحر» با صدای محمدرضا شجریان بوده و این اثر را یادگار این استاد بزرگ می‌دانند. شجریان این قطعه را نخستین بار سال ۱۳۶۹ و در کنسرتی در دانشگاه برکلی امریکا اجرا کرد. حال ارکستر فیلارمونیک تهران در پروژه‌ای جدید با عنوان «فراتر از قرنطینه» به رهبری آرش گوران و با صدای همایون شجریان و عبیر نعمه (خواننده اهل لبنان) این قطعه را به اجرا درآورده است. همایون شجریان در صفحه شخصی خود (اینستاگرام) نوشته است: «تقدیم به تمام مردم جهان... مردمی که مهرشان مرز و نژاد نمی‌شناسد...» آرش گوران این کار را بازآفرینی کرده و در گفت‌وگویی کوتاه درمورد هدف از انجام این کار صحبت کرده است که در ادامه می‌خوانید:

■ **ابتدا در مورد ایده شکل‌گیری این پروژه توضیح دهید؟**

طی برنامه‌ریزی‌های از پیش انجام گرفته قرار بر این بود ارکستر فیلارمونیک تهران سال گذشته کنسرتی در تهران برگزار کند که به‌دلیل شیوع ویروس کرونا این برنامه کنسل شد. درهمان برهه زمانی و در روزهای قرنطینه دغدغه این را داشتم بتوانم کاری انجام بدهم تا از این محدوده خانگی عبور کنیم و فراتر برویم و بواسطه موسیقی با دنیا ارتباط برقرار کنیم و سرانجام به این نتیجه رسیدم اثری بسازم با حضور نوازندگان جهانی و از آنها خواهش کردم در این پروژه شرکت کنند که به‌حمدالله مورد استقبال قرار گرفت و نوازندگان حاضر در این پروژه در منزل یا استودیو شخصی خود این کار را ضبط و ارسال کردند، اگرچه با وجود این شرایط انتظار داشتیم کیفیت صدا خوب نباشد اما خوشبختانه محصول نهایی از کیفیت صدایی خوبی برخوردار بود. در ساخت یا بهتر است بگویم بازآفرینی تصنیف «مرغ سحر» هدف و مخاطب پیامم نخست مردم کشورم بودند و بعد آن مردمان دیگر جهان و پیام آن این بود که در این روزها همه مردم جهان با یک اتفاق روبه‌رو هستند و باید بپذیریم همه از یک نژاد و رنگ هستیم و این تقسیم‌بندی‌ها اساساً در احساس، عاطفه و علاقه مردم چیزی را تغییر نخواهد داد. ساخت این اثر حدوداً دو ماه به‌طول انجامید و اجرای این نت‌ها قطعاً بدون همکاری تیم اجرایی و قوی ارکستر فیلارمونیک تهران به‌وجود نمی‌آمد. فارغ از این حضور هنرمندان بزرگی است که در این پروژه بدون هیچ چشمداشتی همکاری داشتند. همایون شجریان هم بدون هیچ چشمداشتی این اثر را برای مردم کشورش خواند و بار دیگر همراه با مردم سرزمینش شد. البته دوستان دیگری هم در این کار همکاری داشتند، از بخش هماهنگی و ارتباط بین‌المللی تا بخش تیم اجرایی، صدابرداری و دیگر عزیزان که تلاش دلسوزانه داشتند.

■ **هدف شما از انتخاب تصنیف «مرغ سحر» چه بود؟**

قطعه «مرغ سحر» نام آشنای مردم ایران است و شعر این کار به نوعی بیان‌کننده رهایی، آزادی بشر و خروج از هر گونه محدودیت است، در واقع المان‌هایی از روشنایی و امید است و بر همین اساس این کار را انتخاب کردم و تصمیم داشتم این قطعه به‌صورت بین‌المللی پخش و شنیده شود. در پروژه «فراتر از قرنطینه» بخش کوتاهی از تصنیف مرغ سحر خوانده می‌شود و یک اپیزود آغازی و پایانی دارد بنابراین، این کار را به روز یا بازآفرینی کردم. ابتدا با همایون شجریان عزیز تماس گرفتم و از این ایده بسیار استقبال کرد و در شکل‌گیری این کار همکاری و همراهی بسیاری داشتند.

■ **از ابتدا تصمیم داشتید این کار با دو خواننده اجرا شود؟**

خیر تصمیم داشتیم این کار با حضور ۴ یا ۵ خواننده از کشورهای مختلف باشد که بسیار مورد استقبال آنها قرار گرفت اما به‌دلیل مشغله‌های کاری این عزیزان، نتوانستیم از حضور آنها در این پروژه بهره ببریم و در ادامه گزینه بعدی خانم عبیر نعمه بود که پیش از این با صدای ایشان آشنا بودم و احساسم بر این بود صدای ایشان به کاراکتر و محتوای این کار نزدیک است و سرانجام این انتخاب انجام گرفت. همایون جان هم که به نمایندگی از ایران در این پروژه حضور داشتند. البته ایده دیگرم فراتر از نژاد و جنسیت و برابری بین زن و مرد است که بسیار مورد استقبال قرار گرفت و جذابیت خاصی در کار ایجاد کرد.

■ **به عقیده شما پخش این کار در عرصه بین‌الملل در معرفی موسیقی ایران چه تأثیری خواهد داشت؟**

امیدوارم این اثر تأثیرگذاری خود را داشته باشد هر چند که معتقدم موسیقی یک زبان بین‌المللی است. البته در محتوای هر موسیقی چون اقلیم و قومیت ممکن است تفاوت‌هایی وجود داشته باشد اما اساساً باید بپذیریم موسیقی می‌تواند فراتر از مرزها پیش برود و جغرافیایی نداشته باشد و این پیام براحتی از طریق مفهوم یک موسیقی که از سرچشمه‌های خودش نشأت می‌گیرد منتقل می‌شود. «مرغ سحر» با حضور و همکاری عواملی چون روشنک روشنایی (مدیر روابط بین‌الملل)، (محمد صفرپور سرپرست تیم اجرایی)، پیمان ابوالحسنی (مدیر اجرایی)، رضا فرهادی (صدا و میکس و مسترینگ)، حمید شوارعان (کارگردان ویدئو)، کیمیا فشاری (دستیار روابط بین‌الملل)، حمیدخدا پناهی (مترجم شعر) اجرا و عرضه شد.

به نام او که یگانه جاویدان است

بزرگ ارشد ارجمند خانواده، عموی گرامی‌مان

شادروان محمود علمی

نود و پنج سال در این جهان با حرمت و عشق به ادب و فرهنگ زیست

و هفته پیش از بین ما پرکشید و به سرای جاوید شتافت. او یادگار نفیس خانواده‌ای بود که بیش از یک قرن سابقه انتشار آثار علمی و ادبی و فرهنگی را دارند و خود نیز گنجینه‌ای از آثار و خاطرات گرانقدر از اهل هنر و ادب بود و عنوان فروتنانه «م.درویش» را بر تألیفات ارزنده خویش، برگزیده بود. او و برادرش، شادروان امیر علمی، بنیانگذاران انتشارات جاویدان بودند. هفته پیش، چهاردهم خردادماه ۱۳۹۹، این سرو سایه‌گستر خاندان علمی، سفر جاویدانش را از خاک به افلاک آغاز کرد و بازماندگانش با همدردی و همدلی‌های صمیمانه دوستان، خویشاوندان، همکاران، نویسندگان، مترجمان، مؤلفان و ناشران، تسلی پذیرفتند. روزنامه‌نگاران و خبرنگاران در نشریات؛ خبرگزاری‌ها و سایت‌های متعدد، در سطحی وسیع، یاد آن بزرگ خاندان و آن پیر خردمند را گرامی داشتند و خبر فقدانش را انعکاس شایسته دادند. همچنین مقام محترم وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، جناب آقای دکتر سید عباس صالحی و معاونت ارجمندشان، جناب آقای دکتر محسن جوادی با ارسال پیام تسلیت برای بازماندگان خاندان علمی، خاطر داغ‌دیدگان را مرهم نهاده و ما را سپاسگزار الطاف خویش ساختند. از ما بر نمی‌آید محبت‌های تک تک عزیزان‌مان را جداگانه پاسخگو باشیم. علم و فرهنگ با چنین ادب و حق‌گزاری‌هایی پاینده خواهد ماند و ما سپاس عمیق قلبی‌مان را نثار همه همدلان می‌کنیم.

ای یاران مخلص، سپاسگزاریم و ما نیز مخلص شماییم.

انتشارات جاویدان – انتشارات بدرقه جاویدان

علیرضا، زهرا و سعیدرضا علمی